

تحلیل و بررسی درس چهاردهم

شامل دو شرح زیر...

فارسی ۱

@Dahom_Dabirestan

“طوطی و بقال”

برای ورود به کانال ادبیات دهم کلیک کنید

حکایتی زیبا از مثنوی معنوی مولانا که در این اثر گرانقدر مطالب نغز و لطیف عرفانی و اخلاقی با شیوه‌ی تمثیل و حکایت بیان شده است.

در این داستان هدف، نشان دادن زیان‌های داوری‌های سطحی و غیرمنطقی است و نیز پرهیز از زود قضاوت کردن در هنگام مشاهده‌ی تشابه دو پدیده است.

* بیت اول

قلمرو فکری:

فرد بقالی طوطی سخنگو و خوش سخنی داشت.

قلمرو زبانی:

وی را طوطی‌ای را مالکیت، او طوطی‌ای داشت.

گویا: سخن‌گو

قلمرو ادبی:

نوا: مجاز از سخن، خوش نوا یعنی خوش سخن

واج آرایی «ی»

تکرار طوطی

* بیت دوم

قلمرو فکری:

این طوطی نگهبان دکان بود و با مشتریانی که به دکان می‌آمدند شوخی می‌کرد.

قلمرو زبانی:

سوداگران: کاسبان، مشتریان، بازاریان

قلمرو ادبی:

نکته گفتن کنایه از شوخی کردن

تکرار دکان

واج آرایی «د ا»

* بیت سوم

قلمرو فکری:

مانند انسان ها سخن می گفت و نیز مثل همه طوطیان آوازی خواند و در این کار استاد بود.

قلمرو زبانی:

ناطق: گویا، سخنگو

بدی: بودی، واژه کهن

حادق: ماهر، زیرک، دانا

نوا: صدا، آواز

قلمرو ادبی:

در مصراع اول تشبیه طوطی به انسان در سخن گفتن.

* بیت چهارم

قلمرو فکری:

از بالای دکان به طرف دیگر دکان پرید و شیشه های روغن گل را ریخت.

قلمرو زبانی:

صدر: بالا، آغاز، ابتدا

جست: پرید

قلمرو ادبی:

گریخت و بریخت: جناس ناقص اختلافی

واج آرایی «س» در مصراع اول

* بیت پنجم

قلمرو فکری:

خواجه وصاحبش از خانه به دکانش آمد و با خیالی آسوده باوقار مانند کدخدایی در دکان نشست.

قلمرو زبانی:

خواجه: سرور، بزرگ، مالدار

خواجه اش: صاحبش

فارغ: آسوده خیال

خواجه وش: کدخدای من، مانند کدخدا

قلمرو ادبی:

تکرار خواجه

خواجه وش: تشبیه میان واژه ای

* بیت ششم

قلمرو فکری:

دکان را پر از روغن دید و لباسش چرب شد بر سر طوطی زد و از این ضربه طوطی کچل شد.

قلمرو زبانی:

کل: مخفف کچل

ضرب: ضربه، کتک

قلمرو ادبی:

چرب و ضرب: جناس ناقص اختلافی

روغن و چرب: تناسب

* بیت هفتم

قلمرو فکری:

چندروزی طوطی سخن نگفت و مرد بقال از پشیمانی آه می کشید «از کار خود پشیمان شد»

قلمرو زبانی:

روزک چندی: چندروزی، جابه جایی صفت و موصوف، «ک» تصغیر.

ندامت: پشیمانی

قلمرو ادبی

سخن کوتاه کردن کنایه از سخن نگفتن.

از ندامت آه کردن کنایه از پشیمان شدن.

* بیت هشتم

قلمرو فکری:

از پشیمانی موهای خود را می کندومی گفت: افسوس که خورشید خوشبختی ام زیر بر رفته است «بدبخت شدم»

قلمرو زبانی:

ریش: موی سرو صورت

میغ: ابر

بیت چهار جمله است

قلمرو ادبی:

ریش: مجاز از موی سر

ریش کندن کنایه از پشیمانی

آفتاب نعمت: اضافه تشبیهی

مصراع دوم کنایه از بدبخت شدن

* بیت نهم

قلمرو فکری:

ای کاش زمانی که بر سر آن طوطی خوش زبان می زدم دستم می شکست «به خودنفرین می کرد»

قلمرو ادبی:

زمان و زبان: جناس ناقص اختلافی

آن خوش زبان مجاز از طوطی

دست، سرو زبان: مراعات نظیر

برای ورود به کانال ادبیات دهم کلیک کنید

* بیت دهم

قلمرو فکری:

بقال به فقرا صدقه می داد تا شاید طوطی اش زبان باز کند.

قلمرو زبانی:

درویش: فقیر

درویش را: به درویش، «را» به معنی حرف اضافه

نطق: سخن

قلمرو ادبی:

مصراع اول کنایه از صدقه دادن.

مرغ: مجاز از طوطی

مصراع دوم کنایه از سخن گفتن طوطی، به حرف آمدن طوطی

* بیت یازدهم

قلمرو فکری:

بعد از سه شبانه روز که بقال آشفته و ناراحت دردگان ناامیدنشسته بود.

قلمرو زبانی:

حیران و زار: آشفته و نگران، ناراحت

نومیدوار: سه تکواژ «نا/امید/وار» مشتق، قید.

«بیت ۱۱ تا ۱۵ موقوف المعانی»

قلمرو ادبی:

روز و شب: تضاد و تناسب

سه: تکرار

* بیت دوازدهم

قلمرو فکری:

برای طوطی کارهای شگفت انگیز انجام می داد «داووش کلک درمی آورد» تا شاید طوطی سخن بگوید.

قلمرو زبانی:

گون: نوع، شکل

شگفت در مصراع اول با ضمه «گ» تلفظ می شود که با گفت هم

قافیه شود.

قلمرو ادبی:

مرغ: مجاز از طوطی

گفت مجاز گفتن، سخن

* بیت سیزدهم

قلمرو فکری:

درویشی بدون کلاه از جلوی دکان می گذشت در حالی که سرش مانند پشت طشت، تاس بود.

قلمرو زبانی:

جولقی: ژنده پوش، درویش، گدا

«جولق لباس مخصوص فرقه ای به نام قلندری ها بود که این فرقه اهل ریاضت کشی بودند و موی سرو صورت خود را کامل می تراشیدند و لباس ضخیم و کهنه ای به نام جولق می پوشیدند»

طاس: نوعی کاسه ی مسی

طشت: نوعی ظرف

قلمرو ادبی:

سر، مو: تناسب

مصراع دوم تشبیه سر به پشت طاس و طشت از نظر صاف و بی موبودن.

طاس، طشت: تناسب

* بیت چهاردهم

قلمرو فکری:

طوطی فوراً زبان باز کرد و به درویش گفت: هی فلانی

قلمرو زبانی:

بیت ۱۴ و ۱۶ موقوف المعانی هستند.

در زمان: فوراً، سریع

بانگ: فریاد، داد

قلمرو ادبی:

گفت: مجاز از گفتن، سخن

واج آرایی / اد /

* بیت پانزدهم

قلمرو فکری:

چرا کچل هستی مگر تو هم شیشه های روغن را ریختی؟

قلمرو زبانی:

کل: مخفف کچل

قلمرو ادبی:

تکرار کل

کل باکلان آمیختن: کنایه از کچل بودن.

* بیت شانزدهم

قلمرو فکری:

از این مقایسه ی او مردم خندیدند زیرا مرد درویش را مانند خود تصور کرد.

قلمرو زبانی:

قیاس: مقایسه کردن

دلق: لباس پاره، کهنه

صاحب دلق: ژنده پوش، فقیر، درویش، صفت مرکب.

قلمرو ادبی:

خلق، دلق: جناس ناقص اختلافی

* بیت هفدهم

قلمرو فکری:

کارهای افراد پاک و شایسته را با کارهای خود مقایسه نکن هر چند دو کلمه شیر جانور و شیر خوردنی در نوشتن مثل هم هستند اما با هم تفاوت دارند.

قلمرو زبانی:

نیشتن: نوشتن «واژه کهن»

قلمرو ادبی:

شیر و شیر: جناس تام

* بیت هجدهم

قلمرو فکری:

مردم جهان به خاطر همین مقایسه های ناروا و نابه جا گمراه شده اند و کمتر کسی است که مردان کامل را بشناسد و به مرتبه و مقام آن ها پی ببرد.

قلمرو زبانی:

ابدال: مردان کامل، مردان خدا

قلمرو ادبی:

عالم: مجاز از مردم جهان

* بیت نوزدهم

قلمرو فکری:

هر دو نوع زنبور از یک محل تغذیه می کنند و غذای آن ها یکی است اما یکی نیش دارد و دیگری عسل دارد.

قلمرو زبانی:

گون: نوع

قلمرو ادبی:

نیش، زنبور، عسل: مراعات نظیر

* بیت بیستم

قلمرو فکری:

هر دو آهوی گیاه و آب می خورند و تغذیه آن ها یکی است اما از یکی پهن و مدفوع حاصل میشود و دیگری ماده ی خالص و خوشبویی به نام مشک.

قلمرو زبانی:

سرگین: فضله چارپایان، پیشگل، پهن

مشک: ماده خوشبو که از نوعی آهوبه دست می آید.

ناب: خالص

قلمرو ادبی:

آب، گیاه: تناسب

آب، ناب: جناس

مشک، آهو: تناسب

سرگین، آهو: تناسب

* بیت بیست و یکم

قلمرو فکری:

هردونی از یک سرچشمه آب می خورند ولی یکی از آن ها خالی و دیگری پر از شکر «نیشکر» است.

قلمرو زبانی:

آبخور: سرچشمه، واژه آبخور باضمه «خ» و فتحه «و» تلفظ می شود که باشکر هم قافیه شود.

قلمرو ادبی:

نی، شکر: تناسب

* بیت بیست و دوم

قلمرو فکری:

در این عالم این چنین شباهت هایی زیاد هست ولی بین آن ها فرق زیادی وجود دارد.

قلمرو زبانی:

اشباه: جمع شبه، ماندها

قلمرو ادبی:

مصراع دوم کنایه از تفاوت بسیار داشتن و اغراق.

* بیت بیست و سوم

قلمرو فکری:

در این دنیا شیطان های زیادی وجود دارد که فقط ظاهرشان شبیه به انسان است؛ پس مانباید به هر کسی اعتماد کنیم

و طرح دوستی بریزیم.

قلمرو زبانی:

مصراع دو میتواند دو معنا داشته باشد:

۱_ همانطوری که دو دست شبیه به هم هستند اما با هر دستی نمی توان با دیگران دست داد «با دست چپ شایسته نیست با دیگران دست داد» که در این معنی مصراع حالت تمثیل دارد.

۲_ پس با هر کسی نباید طرح دوستی ریخت «به همه کس نمی شود اعتماد کرد»

که معنی دوم درست تر به نظر می رسد.

ابلیس: شیطان

بسی: بسیار

قلمرو ادبی:

ابلیس آدم روی: تشبیه، ابلیس مانند انسان

دست: مجاز از فرد، شخص

دست دادن کنایه از دوستی کردن، اعتماد کردن

واج آرایی: /س/

دست، هست: جناس

شرحی دیگر ...

۱. بود بقالی و ...

طوطی: ردیف

گویا/را: قافیه

آرایه ی تنسیق الصفات یا صفت آوری در مصرع دوم

(هرگاه چند صفت پی در پی برای یک چیز بیاورند تنسیق الصفات است)

را: برای / وی: متمم

مرجع ضمیر وی: بقالی

۲. در دکان بودی...

فعلهای بودی / گفتمی به سبک قدیم ماضی استمراری است: می بود / می گفت

تکرار: دکان

واج آرایه: ن

۳. در خطاب آدمی...:

(آن طوطی) در برابر انسان ها سخن گو بود همچنینی در نغمه و نوای طوطیان هم ماهر بود

بدی: ردیف

حاذق / ناطق: قافیه

۴. جست از دکان...

طوطی از بالای دکان پرید و در این هنگام شیشه های روغن گل را ریخت

گریخت / بریخت: قافیه / جناس اختلافی

۵. از سوی خانه...

صاحب آن طوطی از خانه به دکان آمد و مانند آقایان آسوده خاطر در جایش نشست

خواجه اش / خواجه وش: قافیه / جناس اختلافی

۶. دید پر روغن دکان...

خواجه دید که دکان پر از روغن شده و لباس هایش چرب شده است برای همین ضربه ای بر سر طوطی زد و باعث شد طوطی کچل شود

سرش "مرجع ضمیر"ش "طوطی است نه خواجه

ضرب / چرب: قافیه / جناس اختلافی

ضرب: زد و روغن / چرب: تناسب

سر / کل: تناسب

۷. روزک چندی...

چند روزی

سخن کوتاه کرد: ساکت بود

ندامت:پشیمانی

آه / گونا:قافیه

۸. ریش بر می کند...

ریش کندن:کنیه از شدت غم و اندوه

ای دریغ:شبه جمله

آفتاب نعمت:اضافه تشبیهی

آفتاب زیر میغ رفتن:کنایه از نابودی و ناپدید شدن چیزی

آفتاب / میغ:تناسب

میغ / دریغ:قافیه

میغ / دریغ:هر دو از واژگان فارسی است.

۹. دست من ...

بشکسته بودی:ای گاش دستم می شکست

خوش زبان:کنایه از طوطی

دست / سر / زبان:مراعات نظیر

زمان / زبان: قافیه / جناس اختلافی

۱۰. هدیه ها می داد...

در این جا منظور از هدیه: صدقه دادن است

را: در مصرع اول به معنای "به" در مصرع دوم نشانه ی مفعولی است

را: ردیف

در ویش / خویش: قافیه

مرغ: پرنده در این جا: طوطی

۱۱. بعد سه روز و...

تکرار: سه

روز و شب: تضاد

بُد: بود

با بیت بعد موقوف المعانی است

۱۲. می نمود آن مرغ...

برای آن پرنده کارهای شگفت آمیز می کرد تا شاید سخن بگوید

سه جمله دارد (می نمود / باشد / آید

گفت / شگفت: قافیه / جناس افزایشی

گفت: متمم است و در نوع اسمی (مصدر) است (گفتن)

۱۳. جولقیی...

زنده پوش و کسی که لباس کهنه بر تن داشت بدون کلاه (کچل) از انجا عبور می کرد که سرش مثل پشت طاس و طشت کچل بود

تشبیه دارد

۱۴. طوطی اندر گفت...

گفت: متمم است (گفتن) فعل نیست

۴ جمله دارد آمد/بانگ زد/هی/فلان

۱۵. از چه ای کل ...

ای کچل چرا با کچلان هم نشین شدی؟ مگر نو هم از شیشه روغن ریختی؟

۱۶. از قیلش خنده ...

مردم از این نوع مقایسه اش خنده شا نگرفت چرا که آن طوطی او (جولقی) را مثل خود فرض کرده بود.

۱:ردیف

دلخ/خلق:جناس اختلافی

۱۷. کار پاکان را ...

شیر/شیر:جناس تام

بیت ضرب المثل است

نباشتن گونه ی دیگر نوشتن است.

۱۸. جمله عالم...

جمله: همه

ابدال: جمع بدل و بدیل به معنای نجیب و شریف است.

مردان حق که تعداد آنان را هفت نفر یا چهل یا ۳۵۶ یا ۳۵۷ و... گفته اند

اینان با تبدیل صفات رذیله به حسنه خود را به کمال رسانده اند.

ابدال را هر کس نمی شناسد. هر گاه یکی از اینان از دنیا برئود فرد دیگری جایشان را پر می کند زمین از ابدال خالی نمی شود. ابدال می توانند در آن واحد در چند مکان باشند. گاه در مصر و گاه عراق و گاه شام و گاه کعبه و...

ابدال همان مردان الهی و حقیقی هستند که وجود عالم به آنان وابسته است.

این گروه از دیدگان نامحرمان پنهانند و تحت عنایت خاص الهی اند.

۱۹. هر دو گون...

گون: گونه

نیش / عسل: تضاد

نیش: زهر

با آن که هر دو گونه ی زنبور از یک جا تغذیه می کنند اما یکی زهر دار میم شود و دیگری عسل

این بیت و چند بیت بعد ضرب المثل دارد

۲۰. هر دو گون آهو گیا...

هر دونوع اهو آب و گياه خوردند ولي اين گياه دريكي تبديل به فضله شد و در ديگري به مشك خالص

ناب: خالص

۲۱. هر دونی ...

خال/پر: تضاد

۲۲. صد هزاران ...

فرق هفتاد ساله: کنایه ارز تفاوت زیاد

صد هزار / هفتاد: تناسب

۲۳. چون بسی ..

به دليل وجود انسانهای شيطان صفت شايسته نيست با هر کسی دوست شد.

دست به دست کسی دادن: کنایه از اظهار دوستی

مان
په

برای ورود به کانال ادبیات دهم **کلیک کنید**

[@Dahom Dabirestan](#)